

پیدایش ۱، ۱ تا ۴ الف و ۲۶ تا ۲۸ و ۳۱ و پیدایش ۲، ۱ تا ۳

۱ در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید. ۲ زمین بی‌شکل و خالی بود، و تاریکی بر روی ژرفا؛ و روح خدا سطح آنها را فرو گرفت. ۳ خدا گفت: «روشنایی باشد»، و روشنایی شد. ۴ خدا دید که روشنایی نیکوست. ۲۶ آنگاه خدا گفت: «انسان را به صورت خود و شبیه خودمان بسازیم، و او بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر چارپایان و بر همه زمین و همه خزندگانی که بر زمین می‌خزند، فرمان براند.» ۲۷ پس خدا انسان را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید. ۲۸ خدا ایشان را برکت داد، و خدا بدیشان فرمود: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر جانداری که بر زمین حرکت می‌کند، فرمان برانید.» ۱۳ و خدا هرآنچه را که ساخته بود دید، و اینک بسیار نیکو بود. شامگاه شد و بامداد آمد، روز ششم. ۱ بدین‌سان، آسمانها و زمین و همه لشکر آنها تمام شد. ۲ و خدا در روز هفتم، کار خویش را به پایان رسانید؛ پس او در هفتمین روز، از همه کار خویش بیاسود. ۳ و خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را مقدس شمرد، چراکه در آن روز از همه کار خویش که خدا آفریده و ساخته بود، بیاسود. ۴ این بود تاریخچه آسمانها و زمین آنگاه که آفریده شدند.

انجمن عزیز، جهان چگونه به وجود آمد؟ همه‌ی موجودات زنده از کجا می‌آیند؟ دو نفر در این مورد بحث می‌کنند:

- یکی با قاطعیت زیاد تأیید می‌کند: در زمان‌های قدیم یک انفجار بزرگ بود. و جهان و ستاره‌ها از آن انفجار آغاز شد، سیارات و زمین هم همینطور. و بعد زندگی بر روی زمین توسعه یافت، ابتدا بسیار ساده، سپس پیچیده‌تر و در نهایت انسان‌ها آمدند.

- دیگری پاسخ می‌دهد: در ابتدا توصیف شما قانع کننده به نظر می‌رسد. اما ایده‌ی شما یک مشکل دارد: تصور کنید یک

کامیون بزرگ با هزاران سنگ از راه می‌رسد و سنگ‌ها را بر زمین می‌ریزد. فکر می‌کنید چه اتفاقی می‌افتد؟

- خب، در ابتدا ابر عظیمی از غبار به وجود خواهد آمد.

- و سنگ‌ها؟

- آنها در بهم‌ریختگی کنار هم فرار خواهند گرفت، توده‌ای بزرگ خواهند شد، و برخی شکسته خواهند شد.

- دقیقاً! اگر کامیونی سنگ بریزد، خانه یا گاراژی ساخته نخواهد شد. در بهترین حالت سردرگمی زیادی خواهد شد. برای

ساختن خانه به مهندس ساختمان نیاز است. مهمتر از همه، شما به یک برنامه‌ی خوب برای اجرای آن نیاز دارید. و این دقیقاً مشکل تئوری شما برای منشاء جهان است.

یک انفجار حداکثر آشفته‌گی ایجاد می‌کند، مانند زمانی که سنگ‌ها از کامیون ریخته می‌شوند. تنها هرج و مرج به پیش می‌آید،

یک «توهو و بوهو» یعنی «بی‌شکل و خالی» (پیدایش ۱، ۲). در آن اتفاق هیچ نقشه‌ای نیست و مهمتر از همه شخصی برای

برنامه ریزی کردن وجود ندارد.

کتاب مقدس کسی را که برنامه ریزی می‌کند به ما معرفی می‌کند: خداوند آفریننده، کسی که برنامه ریزی می‌کند، خالق و

نگهدارنده‌ی آسمان و زمین است. کتاب مقدس به ما کسی را معرفی می‌کند که قوانین طبیعت را ایجاد کرده است، کسی که

ما را به وجود می‌آورد، کسی که ما را می‌شناسد و درست در زندگی شخصی ما کار می‌کند.

ابتدا می‌خواهیم این را بیان کنیم: جهان وجود دارد زیرا خدا آن را می‌خواهد. دوم: انسان وجود دارد چون خدا او را می‌خواند.

سوم: استراحت، زیرا خدا دارای آن است و آن را می‌بخشد.

۱: دنیا وجود دارد چون خدا دنیا را می‌خواهد.

در گفتگوی دو پسر، یکی گفت: دنیا محصول یک انفجار بزرگ است. از شانس آفریده شده و انسان‌ها نتیجه‌ی یک توسعه‌ی

طولانی هستند. این نظریه‌ها و شیوه‌های تفکر بر ما انسان‌ها تأثیر گذاشته است.

آیا زندگی «محصول شانس و اتفاق است؟»

مردم زیادی در غم و اندوه هستند زیرا زندگی آنها معنی ندارد. و گفته می‌شود: در واقع شما کی هستید؟ چه می‌خواهی؟ چه می‌توانی انجام دهی؟ تو فقط بخشی از طبیعت هستی - افراد زیادی هستند که هرگز با ارزش بودن را تجربه نکرده‌اند. آنها هیچ وقت نشنیده‌اند: من محبوب هستم، متمایز، منحصر به فرد، ارزشمند و دارای کرامت.

واژه‌ی «توسعه» کلیدی است.

اگر این نظر درست باشد، پس ممکن است افراد بسیار پیشرفته‌ای وجود داشته باشند و در عین حال افرادی که هنوز انسان واقعی نشده‌اند. اگر این نظر درست باشد مجبور خواهیم بود که بین انسان ارزشمند و بی‌فایده یکی را انتخاب کنیم: چه کسی ارزش زندگی کردن را دارد و چه کسی نه؟ کدام زندگی ارزش محافظت دارد و کدام نه؟ این به ما دوران ترسناکی را در آلمان یادآوری می‌کند که مردم دقیقاً همین کار را انجام می‌دادند.

چنین تفکری امروزه نیز وجود دارد. به عنوان مثال، گاهی در تجارت افرادی را "سرمایه‌ی انسانی" می‌شمرند، یعنی که ارزش آنها فقط به عملکرد آنها وابسته است. اگر افراد انتظارها را برآورده نکنند سریع کنار گذاشته می‌شوند. - اخیراً یکی پس از دیگری کاری دشوارش به من گفت: "من از اجتماع طرد شده‌ام." و به زانو و باسن خود اشاره کرد که از طریق کارش آسیب دیده بود.

یا: در کشور ما، دادگاه‌ها سعی دارند تشخیص دهند از چه زمانی انسان هستیم و از چه زمانی «فقط یک دسته سلول». و افرادی که از حق زندگی متولد نشده دفاع می‌کنند به حاشیه رانده می‌شوند.

و کتاب مقدس به ما می‌گوید: فریب نخورید! اشتباه نکنید! به یاد داشته باشید: کیهان، زمین زیبا، زندگی مردم، هر فرد، حتی زندگی جدید در رحم حق است و ارزش دارد. به این دلیل که حق خود را از جانب خداوند دریافت کرده است.

«در آغاز خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید. یک برنامه ریز بزرگ در پشت هر چیزی وجود دارد. و در پایان دنیا نه تنها خوب، بلکه "بسیار خوب" است.

خدا جهان را آفرید: «خدا فرمود... و چنین شد». - "خدا صحبت کرد ... و آنچه فرموده بود اتفاق افتاد."

به عنوان یک پدر یا مادر، گاهی آرزو می‌کنید وقتی چیزی به فرزندان خود دستور می‌دهید، این اتفاق بیفتد، آنها به آن توجه کنند و آن را انجام دهند.

در کنفرانس‌ها، جلسه‌ها و مصاحبه‌ها بسیار گفته می‌شود، و وعده‌های بزرگ داده می‌شود. اما در نهایت هیچ اتفاق نمی‌افتد. چنین تجربیاتی انسانی است. اما در مورد خدا فرق دارد. "خدا می‌فرماید... و اتفاق می‌افتد."

انجمن عزیز! در این کلمه می‌توان عظمت خداوند را کشف کرد. او صحبت می‌کند و این اتفاق می‌افتد. جهان از دهان خدا پدید می‌آید. خداوند ما را به زندگی فرا می‌خواند.

نه تنها این: ما انسان‌ها می‌توانیم کلام خدا را بشنویم. هیچ موجود زنده‌ی دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد.

و اگر این اتفاق نیفتد، انسانیت خود را از دست می‌دهیم.

ما در آن صورت کم و بیش در وضعیت توسعه‌ی طبیعت هستیم، مثل حوادث طبیعی خودسرانه، و مشمول بازی‌های قدرت این جهان.

و با این حال، انجمن عزیز: خداوند رو به سوی خلق خود می‌کند، هر چند ما به او پشت کرده باشیم. او صحبت می‌کند و این اتفاق می‌افتد.

هر کسی که انجیل را بخواند متوجه خواهد شد که خدا از طریق عیسی مسیح با ما صحبت می‌کند. سپس متوجه می‌شویم:

- که عیسی به فلج می‌گوید برخیز و او برمی‌خیزد.
- که عیسی به باد و امواج آب در دریای جلیل فرمان می‌دهد و آنها اطاعت می‌کنند.
- که عیسی می‌گوید: گناهان تو بخشیده شد و این اتفاق می‌افتد.
- که عیسی سخن می‌گوید و نان و شراب حامل بدن و خون مقدس او می‌شوند.

دنیا وجود دارد چون خدا آن را می‌خواهد.

دوم) : ما انسان‌ها وجود داریم، زیرا خداوند ما را می‌خواند. استدلال‌های بیولوژیکی اغلب می‌گویند که انسان از قلمرو حیوانات رشد کرده است.

کتاب مقدس نیز به صراحت می‌گوید که انسان و حیوانات بزرگ در یک روز، یعنی روز ششم خلق شدند. اما این چه چیزی در مورد اهمیت ویژه‌ی انسان، شرافت و کرامت او می‌گوید؟

گفته می‌شود: «انسان را به صورت خود آفرید» و در مزمور ۸ با شگفتی نوشته شده است: «انسان چیست؟ او را اندکی کم‌تر از فرشتگان ساختی و تاج جلال و اکرام را بر سرش نهادی.»

ما به صورت خدا آفریده شده‌ایم: این بدان معنا نیست که خدا شبیه ماست. اما این بدان معناست که: ما بالاتر از همه‌ی موجودات دیگر هستیم. ما به عنوان انسان در نزدیکی خاص و منحصر به فرد با خداوند قرار داریم.

به همین دلیل ما انسان‌ها این آزادی را داریم که از کلام خدا پیروی کنیم یا نه. ما نیز توانایی داریم با خدا حرف بزنیم. از طرف خداوند مأموریت گرفته‌ایم تا بر زمین حکومت کنیم.

و می‌خوانیم: «**خداوند ما را مرد و زن آفریده است**» نه اینکه دو نوع انسان وجود داشته باشد، بلکه خداوند به ما نشان می‌دهد که جنسیت، زن و مرد بودن، هدیه‌ی خوبی از جانب خداوند است. و این هدیه‌ی خداوند می‌تواند و باید در وحدت زن و مرد، در ازدواج و خانواده توسعه یابد.

اگر ما خود را به عنوان افرادی که در برابر خداوند هستیم ندانیم، تمام صحبت‌ها از انسان‌گرایی و کرامت انسانی بی‌تأثیر است.

هر چیزی که تا الان گفتم تنها تئوری است؟ قطعاً نه! این موضوع بیشتر از همیشه اهمیت دارد! به عنوان مثال، مسئولیت پدر و مادر در برابر خدا چه است؟ سرچشمه‌ی زندگی در خانواده است. - آیا ما از مسئولیت خود در برابر خدا آگاه هستیم؟

سوم: استراحت - زیرا خدا دارای آن است و آن را می‌بخشد
هدف خلقت خداوند روز هفتم است: «و در روز هفتم خداوند از تمام کارهای خود که انجام داده بود آرام گرفت. و خداوند روز هفتم را برکت داد و آن را تقدیس کرد.»

روزهای ما نیز در روز هفتم با نزدیکی به ناحیه‌ی مقدس خدا به نقطه‌ی اوج می‌رسد. خدا آرام نمی‌گیرد چون بیش از حد کار کرده است و احتیاج به استراحت دارد. او به هدف کمال، آرامش، سعادت و قداست رسیده است. و هر چیز خوبی که در ذات خدا نهفته است در این روز به اوج می‌رسد. - چقدر از آن فاصله داریم!؟

به همین دلیل عیسی مسیح آمد. او این تقدس را از طریق قربانی کردن خود بر روی صلیب به ما می‌بخشد. در حضور او آرامش، سبت و آفرینش جدید وجود دارد. به همین دلیل از همه دعوت می‌کند که نزد او بیایند. «بیایید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، که من به شما آسایش خواهم بخشید. (متی ۱۱)

یکشنبه، انجمن عزیز، فقط یک روز استراحت نیست. در زمان مراسم کلیسای ما گرد هم می‌آییم تا با خداوند بخشنده و نگهدارنده‌ی زندگی جشن بگیریم. برای پیوستن به حمد خدا مراسم را برگزار می‌کنیم.

مراسم عبادت جایی است که خداوند با وجود گناه و نابودی مخلوقاتش در آن حضور دارد. با وجود نافرمانی ما، او اجازه می‌دهد که به صدایش گوش فرا دهیم.

اینجا جایی است که کلام نجات‌بخش خدا به ما می‌رسد. هر کجا که او اکنون صحبت می‌کند جایی است که آرامش و سعادت، شفا و برکت می‌یابیم.

به همین دلیل خدا را سپاس می‌گوییم. شکرگزاریم که ما محصول طبیعت و شانس نیستیم، بلکه فرزند خدا. دنیای ما و طبیعت به این دلیل وجود دارد که خداوند آن را می‌خواهد.

ما انسان‌ها، من و شما، وجود داریم زیرا خدا ما را فرا می‌خواند. و در او به واسطه‌ی خداوندمان مسیح تکمیل می‌شویم و آرامش می‌یابیم. آمین.